فصل‌نامه علمی پژوهش‌نامهٔ تاریخ اسلام
سـال دهم، شماره چهلم، زمستان ۱۳۹۹
مقاله پژوهشی، صفحات ۱۱۹-۱۴۰

جایگاه سیادت و نقش سادات در تاریخ‌نگاری عصر صفوی

حسن الهیاری[۱]
پژمان افخمی عمله قشقایی[۲]

چکیده

پس از به قدرت رسیدن صفویان با ادعای سیادت، نقـش سـادات و جایگـاه سـیادت در تاریخ ایران برخلاف ادوار پیشین وارد مرحله جدیدی شـد. بـه ایـن ترتیـب دو مفهـوم سیادت و سادات در تاریخ‌نگاری دوره صفوی نمود ویژه‌ای پیدا کرد. مسئله اصـلی ایـن پژوهش بررسی نقش سادات و جایگاه سـیادت در تـاریخ‌نگـاری عصـر صـفویه اسـت. می‌باشد. یافته‌های این پژوهش که با روش تاریخی انجام شده، نشان می‌دهد که منابع تاریخ‌نگارانه آن دوره با تأکید بر سه مقوله نسب بنیان‌گزار سلسله صفویه، نقش اساسی سادات کیایی در تأسیس صفویه و نقش سادات سه‌گانـه در نبـرد چالـدران، بـه مفهـوم سیادت توجه ویژه‌ای داشتند. توجه غالب منابع تاریخی به این سه مقولـه بـا تأکیـد بـر کنش‌گری سادات در رویدادهای دوره صفوی و توجه سادات بـه تـاریخ‌نگـاری نشـانگر تحول جایگاه سیادت و نقش گروه اجتماعی سـادات در ایجـاد یـک گفتمـان غالـب در تاریخ‌نگاری عصر صفوی است.

کلیدواژه‌ها: صفویه، تاریخ‌نگاری، سادات، سیادت.

---

۱. استادیار گروه تاریخ دانشگاه خلیج فارس (نویسنده مسئول). hasanallahyari@pgu.ac.ir
۲. دانشجوی دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام دانشگاه خلیج فارس. pezhman.ghashghayi@gmail.com
تاریخ دریافت: ۹۹/۰۸/۱۲ تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۱/۲۷

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-05-26]
[DOI: 10.52547/isihistory.1.40.119]

درآمد

در مفهوم عام، سادات به گروهی اطلاق می‌شود که از تبار پیامبر اسلام و قبیله بنی‌هاشم باشند. تبار سادات که معمولاً بر تسلسل از ناحیه پدر استوار بود در تاریخ اسلام با عناوین هاشمی، طالبی، علوی و فاطمی از آن یاد می‌شود. این تبارها نشانگر مسیر انقباضی در مفهوم و مصداق سیادت است (نک. الهیاری و آقاجری، ۷-۲۵). در تاریخ ایران قبل از برآمدن صفویانِ مدعی سیادت، سادات در قالب شورش اهل طریقت علیه حکومت تیموری و تشکیل حکومت‌های محلی و خاندانی مانند مرعشیان، کیاییان و مشعشعیان حضور داشتند. از این‌رو در تاریخ‌نگاری ادوار قبل از صفویه نقشی از سادات و جایگاهی از سیادت دیده نمی‌شود و یا نقش و جایگاه این عنصر بنا به نقش کمرنگ در کنش‌های تاریخی این ادوار، کمتر بوده‌است. در واقع آغاز حاکمیت صفویه، دوره اوج و اعتلا این گروه اجتماعی- مذهبی بوده‌است. تأسیس حکومت صفوی با ادعای سیادت، افزایش خاندان‌های سادات و تشخّص خاندانی آنان را در پی داشت. از این رو سادات به بازیگران و کنش‌گران اصلی عصر صفوی در ابعاد گوناگون بدل شده‌اند. انتصاب سادات در مناصب اختصاصی و عمومی همچون صدارت، تولیت، وزارت، شیخ الاسلامی و استیفاء بخشی از واقعیت‌های کنش‌گری سادات در این دوره است. در راستای این ارتقای نقش، انتظار می‌رود در دوره مذکور نقش و جایگاه پدیده سیادت و گروه سادات برخلاف سیر ادوار پیشین وارد مرحله جدیدی از تاریخ‌نگاری شده باشد. با این حال نقش و جایگاه سادات و پدیده سیادت در تاریخ‌نگاری عصر صفوی بر خلاف دیگر مراتب این حضور کمتر مورد توجه اهل تحقیق واقع شده‌است. از این رو مسئله پژوهش پیشِ‌رو بررسی نقش سادات و جایگاه سیادت در تاریخ‌نگاری عصر صفویه است. به این ترتیب پرسش این تحقیق این است که: پدیده سیادت و گروه اجتماعی سادات در تحولات تاریخ‌نگاری عصر صفوی چه نقش و جایگاهی داشتند؟ بر این اساس برای فهم بهتر تحول صورت گرفته در دوره مذکور، تکاپوی سادات برای نگارش منابع تاریخ‌نگارانه نیز در این پژوهش مورد مداقه قرار گرفته‌است. این مقاله از روش پژوهش تاریخی و با تکیه‌بر گردآوری داده‌ها از منابع کتابخانه‌ای

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-05-26]

[DOI: 10.52547/isihistory.1.40.119]

انجام شده‌است.

پیشینه پژوهش

مطالعات تاریخ‌نگاری این عصر نشان می‌دهد نقش سادات و عنصر سیادت در منابع تاریخی و سهم آنان در نگارش منابع تاریخنگارانه چندان مورد توجه محققان نبوده‌است. در حالی که در پژوهش‌های اخیر حضور پررنگ سادات در مناصب مختلف اثبات شده، مبناسازی منابع برای تبیین این رویداد به خوبی مورد توجه قرار نگرفته است. از جمله کتاب *نظام قضایی عصر صفوی* در *دوره صفویه* تألیف ویلم فلور (۱۳۹۰ش)، کتاب *ساختار نهاد و اندیشه دینی در دوره صفویه* تألیف منصور صفت گل (۱۳۸۹ش) و *درآمدی بر مناسبات دین و دولت در عصر صفوی* اثر سید هاشم آقاجری (۱۳۹۷ش)، مبتنی بر داده‌های منابع، صرفاً اشاراتی به مناصب سادات کرده و هرگز به رهیافتی متناسب با خواسته این پژوهش دست نیافته‌اند. این مهم در مطالعات تاریخ‌نگاری که موضوع این پژوهش است، مورد غفلت بیشتری واقع شده‌است. جهانبخش ثواقب (۱۳۸۰ش) در کتاب *تاریخ‌نگاری عصر صفویه و شناخت و نقد منابع*، با وجود توجه به معرفی مبسوط محتوای منابع عصر صفوی به مسئله سیادت در منابع این عصر اشاره‌ای نکرده است. محمدباقر آرام (۱۳۹۳ش) در کتاب *اندیشه تاریخ‌نگاری عصر صفوی* که به نوعی جدی‌ترین و دقیق‌ترین تحقیق در باب نقد و بررسی تاریخ‌نگاری این عصر است نیز با وجود پرداختن به مسئله مشروعیت مذهبی و مقبولیت سیاسی صفویان در منابع این عصر، به رسوخ تفکر سیادت در این منابع اشاره‌ای نکرده است. در این اثر گرچه به اندیشه پادشاهی و طریقت در منابع عصر صفوی پرداخته شده اما با این حال مقوله سیادت در منابع، از سوی صاحب اثر مغفول مانده است. نویسنده این کتاب با اتخاذ رویکرد هرمنوتیکی در اثر تحقیقی خود بیشتر در پی تحلیل نشانه‌های مؤثر در عمل تاریخ‌نگاران این عصر بوده‌است. بر همین مبنا نقش و اثر پدیده تصوف در طیف متنوعی از مسایل عصر صفوی مورد اقبال نویسنده قرار گرفته است (نک. آرام، ۲۴۵– ۲۹۰). با این حال به نظر می‌رسد سیادت احتمالاً از

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-05-26]

[DOI: 10.52547/isihistory.1.40.119]

آن رو که امری آشکار است و نیازی به تأویل ندارد مورد توجه نویسنده این کتاب قرار نگرفته است. در این میان شعله آلیسیا کوئین (۱۳۸۷ش) در کتاب *تاریخ نویسی در روزگار فرمانروایی شاه عباس صفوی* بیشترین توجه به مقوله سیادت در تاریخ‌نگاری این عصر را وجه همت خویش ساخته است. او در قسمتی از بخش دوم کتاب خود، هرچند به اختصار، در قالب بررسی نسب‌نامه صفویان در منابع تاریخ‌نگاری به تحولی قابل توجه در مبانی مشروعیت سازی مورخان برای صفویان و چرخش از تبار مغولی به سیادت از تبار ائمه شیعه اشاراتی داشته است. مکاشفات علمی نویسنده در زمینه سیادت و تاریخ‌نگاری در همین مرحله قطع شده و به دریافتی بیشتر از این دست نیافته است (نک. کویین، ۹۶-۹۳).

الگویابی و ملاحظات پژوهش

این پژوهش به طور مشخص دو مسیر را دنبال می کند. در مسیر نخست و در قالب یک مقدمه به نقش سادات در شکل‌گیری میراث تاریخ‌نگاری این عصر می‌پردازد و در مسیر دوم می‌کوشد تا میزان انعکاس عنصر سیادت و کنشگری سادات در منابع تاریخ‌نگارانه عصر صفوی را بررسی کند. هرچه هدف اول معیَّن‌تر و روشن‌تر، دستیابی به هدف دوم سخت است و نیاز به پردازش یک الگوی پیش فرض دارد. این الگوپردازی از مهمترین میراث تاریخ‌نگاری عصر تیموری یعنی عصر پیشاصفوی آغاز می‌شود تا امکان مقایسه جهت فهم تغییرات احتمالی مدنظر، بهتر فراهم شود.

بی‌شک کتاب *روضه الصفا* تألیف میرخواند آیینه و نماینده تاریخ‌نگاری عصر تیموری است. در این کتاب هیچ نشانه‌ای از نَسب صفویان یافت نمی‌شود. همچنین در اثر مزبور نقش سادات، با وجود اهمیت نِسبی آنها در عصر تیموری، چندان برجسته و متمایز نیست. در مجموع، آنچه در این کتاب به عنوان منبع شاخص تاریخ‌نگاری عصر پیشاصفوی در باب سادات قابل پیگیریست، فاقد الگویی مشخص و نظام‌مند است.

اکنون باید در پی آن بود تا در بین شاخص‌های گوناگون عصر صفوی معیارهایی جهت سنجش جایگاه سیادت و کنشگری سادات در این عصر مشخص و تبیین شوند.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-05-26]

[DOI: 10.52547/isihistory.1.40.119]

با بررسی تحولات عصر صفوی سه مقطع و موضوع حساس و پرتکرار یعنی مبانی مشروعیت صفویان، عوامل مؤثر در تأسیس آن حکومت و جنگ چالدران به عنوان یک حادثه حساس در سرنوشت صفویان، قابل رویت و شایسته تأمل است. واقعیت آن است که صفویان بر مبنای سه عنصر طریقت، سیادت و پادشاهی به حکومت رسیدند. آنها خود را میراث‌دار سنت مراد و مریدی بر بستر تصوف، ادامه راه ائمه معصومین و تدوام سنت پادشاهی در اندیشه ایرانشهری می‌دانستند (صفا کیش، ۵۸-۵۷؛ سیوری، ۲۷-۲٦؛ نوایی، ۳۵-۲٤). بر این اساس اصولاً می‌بایست در منابع رسمیِ عصر صفوی بر این سه تأکید شده باشد. در این میان، سیادت به عنوان یکی از شاخص‌های این پژوهش در جنبه‌های مختلف صفویه پژوهی کمتر مورد مداقه علمی قرارگرفته است. در حالی که انتظار می‌رود در متون تاریخ‌نگارانه رسمی این دوره با اشکال مختلف به آن اشاره شده باشد. صفویان با مدعای سیادت و پیروی از ائمه شیعه، مشروعیت‌سازی کردند. از این رو با اشاعه این مدعا احتمالاً بسترِ فکری هم‌گون در مورخان این دوره ایجاد شد تا به هنگام پرداختن به شرح حوداث خاندان مذکور به سیادت آنان نیز اشاره شود. از طرف دیگر با توجه به اینکه سیادت ربط مستقیمی با نسب و نسب‌شناسی دارد و متکی بر علم نسب است، انتظار می‌رود یکی از جلوه‌های منابع عصر صفوی اشاره به نسب خاندان حکومت‌گر باشد. همچنین احتمال می‌رود حس قرابت نسَبی مورخانِ سید با خاندان حاکمه موجب توجه آنان به موضوع سیادت خاندان صفوی شده باشد. لذا منطقی است که این پژوهش نسبت میان نسب‌شناسی صفویان و تاریخ‌نگاری عصر صفوی را به عنوان بخش نخست الگو در نظر گیرد.

از سوی دیگر حوادث دوران تأسیس این حکومت دستخوش تحولاتی بود که می‌رفت تا دودمان صفویان را نابود کند. بر این اساس نقش سادات کیایی در آرام ساختن و مهار اوضاع کاملاً آشکار است. آنها با پناه دادن به اسماعیل میرزای نوجوان، زمینه را برای اقدام مجدد و موفق صفویان در دستیابی به قدرت تسهیل کردند (الهیاری و زنگنه آبادی، ۳۳٦-۳۲۷). شاید بتوان گفت اقدام آنها مانع اصلی انهدام زودهنگام مدعیان صفوی بود. به نظر می‌رسد همین وام داری صفویان نسبت به سادات کیایی

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-05-26]

[DOI: 10.52547/isihistory.1.40.119]

باعث شد تا این خاندان محلی به صورتی متوقع، صفویان را تا نیمه عمر خویش و زمان حکومت خان احمدخان گیلانی آزار دهد. جالب اینکه صفویان به یکباره به دفع کامل آنها اقدام نکردند بلکه در فرآیندی طولانی و با مماشات زیاد سرانجام تصمیم به سرکوب کامل حکومت آل کیا در گیلان گرفتند، گویی که چندان میلی به حذف کامل یکی از ولی نعمتان خویش نداشتند (الهیاری، ۵-۲۱؛ الهیاری و زنگنه آبادی، ۳۳۶-۳۲۷). بر این اساس اشاره به چگونگی استقرار صفویان و نقش سادات کیایی می تواند به عنوان بخش دوم الگو، دستمایه مورخان این عصر بوده باشد.

در نهایت، صفویان در مسیر استقرار خویش با پدیده جنگ چالدران مواجه شدند. این رخداد از حساسیت بالایی در منابع عصر صفوی برخوردار است. در این جنگ همه قوای صفویان و مثلث طریقت، سیادت و سلطنت دوشادوش هم فعالیت می‌کردند. از جمله سه سید شهیر آن دوره، میر عبدالباقی، میر سید شریف و سید محمد کمونه، در جنگ حضور داشتند و هر سه نیز کشته شدند. این نبرد ضمن آنکه آزمونی بزرگ برای حاکمیت صفوی بود نقش مهمی نیز در تحولات همه جانبه بعدی در حکومت صفوی داشت؛ تا جایی که نقطه عطفی در دوران حاکمیت صفویه محسوب می‌شود.

با این همه به نظر می‌رسد بازتاب مشروعیت صفویان مبتنی‌بر سیادت، نقش سادات کیایی در برآمدن صفویان و حضور سادات در جنگ چالدران می‌توانند به مثابه الگویی به‌گزین برای درک جایگاه سیادت و کنش‌گری سادات در منابع تاریخ‌نگاری عصر صفوی مورد توجه و بهره برداری قرارگیرند. گرچه غیر از این سه، مواردی دیگر نیز می‌توانند به قوام و دوام مدعای پژوهش کمک کنند اما در این مقاله نمی‌گنجد.

باید به این نکته نیز توجه داشت که نمی‌توان از منابع تاریخ‌نگارانه این عصر در این مقوله انتظاری متوازن و هم‌سطح داشت. برای نمونه شعاع اثر گستره روایت تواریخ محلی، یک منطقه محدود است، هرچند در مواردی، از حیطه کار خود فراتر نیز می‌رود. لذا این انتظار که مسایلی چون نسب صفویان، نقش سادات کیایی و حضور سادات در نبرد چالدران در کانون مباحث آن قرارگیرد کمی دور از انتظار است.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-05-26]

[DOI: 10.52547/isihistory.1.40.119]

نقش سادات در نگارش منابع تاریخ‌نگارانه

نخستین نشانه‌های حضور سادات در تألیف منابع تاریخ‌نگاری را باید در تاریخ عمومی اوایل عصر صفوی یعنی *حبیب السیر* جست. این کتاب که یکی از تواریخ عمومی شناخته شده اواخر عصر تیموری است در چهار جلد و بین سال‌های ۹۲۷ تا ۹۳۰ نگاشته شده‌است. اثر مذکور توسط غیاث الدین بن همام الدین معروف به خواندمیر (متوفای ۹٤۲) تألیف شده که نویسنده در ابتدای کتاب، خود را از سادات حسینی معرفی می‌کند (خواندمیر، ۱/ ۵). نویسنده با وجود اینکه خود نیز از جمله مورخان سید در دوره صفوی و سال‌های قبل از آن است، در بخش‌هایی از کتاب که به قبل از دوره صفویه مربوط می‌شود با نگاهی گذرا و نه عمیق و جزءنگرانه، در لابلای مطالب به سادات نیز اشاره می‌کند؛ اما در جلد چهارم بعد از اینکه به سیر تحولات تاریخی صفویان می‌پردازد در همان ابتدا با رویکردی کاملاً متفاوت با جلدهای گذشته کتاب و با دقت نظر بیشتر به سادات به عنوان کنشگران تاریخی مهم این دوره اشاره می‌کند. در همین رابطه او گرچه در ابتدای جلد چهارم تعداد اندکی از سادات عصر تیموری را به همراه علما غیر سید معرفی می‌کند در ادامه و در ضمن حوادث دوره سلطان حسین میرزا و در قسمتی تحت عنوان «ذکر بعضی از سادات و نقبا و مشایخ و علما و فضلا» در مجموع از ۸ نفر از مشاهیر سادات در میان ۸۰ نفر نام می‌برد و آنها را معرفی می‌کند. در آخرین مرحله در ذکر سادات و علما و اشراف دوره شاه اسماعیل این مقوله به شکل مشهودتر و تکامل یافته‌تری عرضه شده‌است (همان، ٤/ ۲۰-٤، ۳۳۳-۳٦۳، ٦۱۸-٦۰۳). این تغییر رویکرد به خوبی گویای تغییر جایگاه سادات ناشی از تحولات سیاسی و اجتماعی است. این تغییر گفتمانی بعدها توسط بسیاری از منابع تاریخ‌نگاری عصر صفوی دنبال می‌شود.

کتاب *تاریخ شاه اسماعیل و شاه طهماسب صفوی* که به‌نام *تاریخ ایران در روزگار شاه اسماعیل و شاه طهماسب صفوی* نیز مشهور است توسط پسر خواندمیر، امیرمحمود نوشته شده‌است. این اثر به نوعی ذیل کتاب *حبیب السیر* است که حوادث عصر صفوی را تا زمان شاه تهماسب ثبت کرده است. کتاب فوق که عملاً توسط یکی از سادات نوشته

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-05-26]

[DOI: 10.52547/isihistory.1.40.119]

شده، بر بازتاب مقوله سیادت و سادات تأکید ویژه‌ای دارد. نویسنده در ابتدای کتاب خود با برجسته کردن مفهوم اهل بیت (ابن خواندمیر، ٤)، نوعی زمینه‌سازی ذهنی را برای ترسیم راهبرد سیادت زده خویش فراهم کرده است. در جایی دیگر نیز شاه اسماعیل را با عنوان «وارث خلافت امیرالمومنین» برجسته می‌کند (همان، ٧).

اثر دیگر به نام *لُب التواریخ* توسط یحیی بن عبداللطیف حسینی قزوینی نگاشته شده‌است. او از خاندان سادات سیفی قزوین بود که در نیمه نخست عصر صفوی نقش مهمی در ساختار سیاسی- اداری صفویان داشتند اما به تدریج مورد غضب هیأت حاکمه قرار گرفت و طرد شد. در پی آن بخشی از این خاندان به هند مهاجرت کردند (نک. بهرام نژاد، ٧-٣٦؛ نوروزی و عباسی، ٨٣-٦٨). نویسنده مذکور در بخش چهارم به خاندان حکومتگر صفویه پرداخته و در ابتدای امر با مدخلی بدین شرح تاریخ‌نگاری خویش را آغاز کرده است؛ «در ذکر پادشاهان دودمان ولایت و خاندان امامت و هدایت رفیعه عالیه صفویه حفظهم الله بالانوار اقدسیه که مقصود اصلی ازین تألیف نشر شمه از مناقب بهیه و مآثر علیه ایشان است والله المستعان وعلیه التکلان» (حسینی قزوینی، ٢٣٥). این نوع نگرش بیش از هرچیز نمایانگر جایگاه والای سیادت در قلم نویسنده مذکور است؛ موضوع مزبور زمانی نمود بیشتری می‌یابد که نوع نگاه نویسنده فوق‌الذکر در ادوار تاریخی پیش از صفویه مدنظر قرار گیرد.

از دیگر منابع مهم عصر صفوی که توسط سادات نگاشته شده *خلاصه التواریخ* اثر قاضی احمد حسینی قمی است. نویسنده مزبور از سادات قم بوده که نیای او از سادات با نفوذ و از قضات صاحب مکنت دوره تیموریان و ترکمانان بوده‌است (حسینی قمی، ١/ ١٠-٩). این اثر حوادث تا اوایل نیمه دوم عصر صفوی را پوشش می‌دهد. نویسنده در پایان حوادث هرسال به ذکر متوفیان مشهور و سادات پرداخته است. این، خود نشانگر تحولی شگرف به جایگاه همه جانبه سادات در این دوره است.

دیگر اثر تاریخ‌نگارانه مربوط به دوره صفویه *تحفة العالم در اوصاف و اخبار شاه‌سلطان‌حسین* متعلق به سید ابوطالب موسوی فندرسکی (متوفای ١١٠٧) از سادات فندرسک گرگان است. تاریخ‌نگار مزبور از ادبای دوره صفوی و از شاگردان علامه

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-05-26]

[DOI: 10.52547/isihistory.1.40.119]

مجلسی است. او نواده دختری میرفندرسکی از عالمان مشهور دوره مزبور است (فندرسکی، ۷). نویسنده با نگاهی اختصاصی به نقش سادات در تاریخ‌نگاری دوره مذکور پرداخته است و به معرفی خاندان فندرسک ساکن در اصفهان می‌پردازد و با اشاره به سلسله نسب، خاندان مزبور را به امام موسی کاظم علیه‌السلام می‌رساند (همان، ۱۰). هدف مؤلف معرفی شخصیت شاه سلطان حسین صفوی بوده‌است؛ از این رو در بخش‌های مختلف به ارتباط سادات با شاه سلطان حسین پرداخته و نقش این دست از کنشگران تاریخی را در قسمت‌های مختلف از جمله در جریان تدفین شاه سلیمان و بر تخت‌نشینی جانشین آن بیان می‌کند. با وجود اینکه نویسنده مذکور در جریان تاریخ‌نگاری خویش هم‌چون دو اثر پیش‌گفته نتوانسته است با گستردگی بیشتری به نقش سادات اشاره کند اما با این حال نام سادات را در کنار نام علما، مشایخ، بزرگان و ارکان دولت بیان داشته و نقش آنان را در اثر تاریخ‌نگارانه خویش وارد کرده است (همان، ٤٦، ۷۲-۷۱، ۱۰۱، ۱۱۵).

سید عبدالحسین الحسینی خاتون آبادی نیز از جمله ساداتی است که در اواخر دوره صفویه اثری تاریخ‌نگارانه از خود برجای گذاشته است. اثر نویسنده مزبور تحت عنوان *وقایع السنین و الاعوام* تاریخ عمومی است که از خلقت آدم تا گزارش‌های تاریخی سال ۱۱۹۵ را به ثبت رسانده است. این کتاب از آن رو که تاریخی عمومی است می‌تواند معیار خوبی برای مقایسه جایگاه سادات در دوره پیشا صفوی و عصر صفویه باشد. مؤلف در حالی که در گزارش‌های خویش در سال‌های پیش از صفویه اشاره‌ای بس محدود و گذرا به سادات در قالب نقبا دارد (خاتون آبادی، ۳۷۹، ۳۷۷)، اما با آغاز ثبت و گزارش اخبار مربوط به دوره صفویه تا حدودی با رویکردی متفاوت به عنصر مزبور نگریسته است.

حضور سادات در مقام خلق منابع تاریخ‌نگاری عصر صفویه با سقوط این حکومت پایان نیافت بلکه پس از آن و حتی بیرون از جغرافیای ایران نیز تداوم یافت. از آن جمله، کتاب *مجمع التواریخ* اثر میرزا محمد خلیل یا سلطان خلیل میرزا مرعشی حسینی (متوفای ۱۲۲۰) نواده سید محمد متولی آستانه رضوی ملقب به شاه سلیمان

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-05-26]

[DOI: 10.52547/isihistory.1.40.119]

ثانی‌ست که از جانب مادر نیز صفوی تبار بوده‌است. مؤلف ضمن اشاره به انقراض صفویان به شرح حال خاندان خود و وقایع مربوط به سید احمد شاه مرعشی (مرعشی حسینی، ٦٤-٥٩) و سید محمد ملقب به شاه سلیمان ثانی به تفصیل پرداخته است. از آنجایی که مؤلف از نوادگان سیدمحمد بوده لذا غالب مطالب تاریخ‌نگاری خود را به شرح سادات و بیان نسب سید محمد و اقدامات و وقایع مربوط به او پرداخته است (همان، ٩٧-٩٠).

تاریخ‌نگاری *زبور آل داود* از هاشم میرزا سلطان (متوفای ١٢٣٦) نیز از نمونه آثاری است که توسط یک سید و پس از سقوط صفویه نوشته شده‌است. در اثر مذکور به نقش سادات مرعشی در شوشتر، مازندران، اصفهان و قزوین پرداخته شده‌است. در واقع کانون اصلی بحث او سادات مرعشی و مراودات درون خاندانی آنهاست. همچنین به سادات حسینی و سادات هزار جریب نیز اشاره کرده است. این اثر از جهت معرفی بزرگان سادات در تاریخ عصر صفویه نقش بسزایی دارد (سلطان، ٤٢-٤١). در واقع نویسنده با ذکر خلاصه‌ای از زندگی نیاکان سادات مرعشی، شرحی خلاصه‌وار از ارتباطات این سادات با سلاطین صفوی و دیگر سادات حاضر در محدوده مرکزی قلمرو صفویان ارائه کرده تا از طریق اشخاص خاندان مزبور پی به نسب و احوال نیاکان خویش برده و از طرفی املاک هرکدام از اعضای خاندان مرعشی را تعیین کند (همان، ٢٠).

به این ترتیب می‌توان گفت سادات نقش قابل توجهی در آفرینش منابع تاریخ‌نگارانه عصر صفوی داشته‌اند. بی شک در این نقش آفرینی، انگاره سیادت و کنش سادات نیز مدنظر نویسندگان سید این عصر بوده‌است.

جایگاه سیادت در منابع تاریخ‌نگارانه

در خصوص جایگاه سیادت در منابع تاریخ‌نگارانه دوره صفویه، رویه یکسانی وجود ندارد. با این حال در یک دسته‌بندی منطبق با سه مقوله فوق‌الذکر برخی از منابع به هر سه موضوع یعنی نسب شاه اسماعیل، همکاری سادات کیایی با شاه اسماعیل و نقش کلیدی سادات سه‌گانه سید محمد کمونه، میرسید شریف صدر و میرعبدالباقی

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-05-26]
[DOI: 10.52547/isihistory.1.40.119]

نعمت‌اللهی در نبرد چالدران اشاره کرده‌اند. برخی دو مورد را مدنظر قرار داده و برخی نیز نگاهی حداقلی به موضوع داشته‌اند. در این بین برخی منابع سیادت را به‌صورت ویژه مورد توجه قرار داده‌اند. بدین ترتیب این بخش در چهار قسمت حداکثری، کامل، حداقلی و هم‌راستا به بررسی نگاه منابع به مقوله سیادت می‌پردازد.

۱- منابع با نگاه کامل به سیادت

شاید بتوان گفت کتاب *تاریخ شاه اسماعیل و شاه طهماسب صفوی* تألیف امیرمحمود خواندمیر (متوفای ۹۹٦) نخستین کتابی است که با فاصله گرفتن از فضای عصر تیموری و ذیل کتاب پدرش *حبیب‌السیر*، تاریخ عصر صفوی را به طور مستقل مدنظر قرار داده‌است. این کتاب حوادث عصر صفوی را تا سال ۹۵۷ روایت می‌کند. نویسنده در کتاب خود به هر سه موضوع به تفصیل اشاره کرده (ابن خواندمیر، ۱۱-۱۰، ٤٤-٤۳، ۸۸-۸٦)، همچنین اطلاعاتی درباره مشارکت سادات در ساختار حکومت صفویان ارائه کرده است اما به شکل ویژه و متمایزی این مشارکت را طرح نمی‌کند؛ شاید از این رو که حکومت صفویه در این عصر در مرحله تأسیسی بود و هنوز مناصب و مشاغل چندان حضور و نمود مستقل و روشنی نداشت.

تقریباً هم‌زمان با کتاب امیرمحمود خواندمیر، کتاب *لب التواریخ* نیز جزو نخستین کتاب‌هایی است که از فضای عصر تیموری فاصله گرفته و در فضایی کاملاً صفوی نوشته شده‌است. همان‌طور که اشاره شد نویسنده کتاب، خود یکی از خاندان‌های تاثیرگذار عصر صفوی و از سادات سیفی قزوین است. یحیی بن عبداللطیف حسنی قزوینی (متوفای قرن ۱۰) ضمن بزرگداشت سیادت شاه اسماعیل در چند مورد به نسب او پرداخته و سلسله نسبش را به امام موسی کاظم علیه‌السلام می‌رساند (حسینی قزوینی، ۲۳۷). در اثر مزبور جایگاه سادات کیایی در برآمدن صفویان و سیادت آنها نیز به تصویر کشیده شده‌است (همان، ۲٤۰). همچنین به نقش سادات سه‌گانه در نبرد چالدران اشاره دارد و با بیان اینکه سادات به فرماندهی میرعبدالباقی به عنوان مسئول قلب سپاه انتخاب می‌شدند، تا حدودی نقش ویژه این گروه از کنشگران تاریخی را در

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-05-26]

[DOI: 10.52547/isihistory.1.40.119]

تاریخ عصر صفوی هویدا می‌کند. او بعد از اشاره به شهادت اشخاص مزبور از آنـان بـه نیکی یاد می‌کند (همان، ٢٥٦). بـا ایـن حـال او بخشـی از کتـاب خـود را بـه سـادات اختصاص نداده است.

یکی از کامل‌ترین آثار در توجه به مقوله‌های مدنظر، کتاب *جهانگشای خاقان* اسـت. در این کتاب نسب شاه اسماعیل، حمایت سادات کیـایی از اسـماعیل میـرزا و حضـور سادات سه‌گانه در جنگ چالدران، به تفصیل طرح شـده‌اسـت (*جهانگشـای خاقـان*، ٤، ٨٣-٦٤، ٤٩٦، ٥٠٠). علاوه‌بر آن این کتاب به اشکال مختلف از سادات این عصر سخن گفته است.

از دیگر منابع تاریخ‌نگاری ایـن عصـر *جواهرالاخبـار* تـألیف بـوداق منشـی قزوینـی (متوفای اواخر قرن ١٠) است. نویسنده به هـر سـه مقولـه فـوق الـذکر پرداختـه اسـت (منشی قزوینی، ١٠٣-١٠٢، ١١٢-١١١و١٣٥)؛ امـا بخـش متمـایزی را بـه ذکـر سـادات مشهور این عصر اختصاص نداده است. با این حـال در مواقـع مختلـف نشـانه‌هـایی از سادات در این کتاب مشاهده می‌شود.

اهمیت مقوله‌های مدنظر در دو کتاب اخیر زمانی بیشتر می‌شود که حجم کم آنهـا در قیاس با دیگر منابع این عصر مقایسه شود.

همان‌گونه که در مبحث پیشین نیز اشاره شد *خلاصه التواریخ* اثر قاضی احمد منشـی قمی (متوفای ١٠١٥) یکی از مهمترین منابع تاریخ‌نگاری عصر صفوی است. این اثـر بـا فاصله از منابع پیش گفته تا اوایل نیمه دوم عصر صفوی را دربرمـی‌گیـرد. اهمیـت ایـن کتاب به درک ادوار متعدد حاکمیت صفویان اسـت تـا بـدین ترتیـب فضـا بـرای فهـم تغییرات مبنایی در حکومت صفوی توسط محققان فراهم شود. این منبـع از نسـب شـاه اسماعیل به تفصیل سخن گفته است (حسینی قمی، ٨-٧). قاضی احمد از نقش سـادات کیایی در برآمدن صفویان و سادات سه‌گانه جنگ چالدران نیز سخن مـی‌گویـد (همـان، ٤٨-٤٧، ١٣١). هرچند بخش مشخص و متمایزی از این کتاب به شـرح سـادات شـهیر این عصر اختصاص داده نشده، نویسنده خود را به این چارچوب مقید مـی‌دانـد کـه در پایان حوادث هر سال به ذکر متوفیان شناخته شده سادات بپردازد.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-05-26]

[DOI: 10.52547/isihistory.1.40.119]

به زعم بسیاری از محققان یکی از مهمترین منابع عصر صفوی کتاب *تاریخ عالم آرای عباسی* تألیف اسکندربیگ ترکمان (متوفای ۱۰۴۳) است. این کتاب که شامل حوادث از ابتدای بنیان طریقت صفوی تا اواخر پادشاهی شاه عباس اول صفوی است به نوعی جامع‌ترین منبع این عصر محسوب می‌شود. اسکندربیگ در کتاب خود توجه ویژه‌ای به موضوعات مدنظر پژوهش دارد. او نه تنها نسب شاه اسماعیل را ذکر کرده (ترکمان، ۱۳/۱) بلکه در ادامه و در شرح‌حال شاه عباس، نسب مادری او را که به سادات مرعشی می‌رسد، برجسته می‌کند تا به نوعی اشرافیت مضاعفی برای او تولید کند. از طرفی در این کتاب نقش سادات کیایی در پناه دادن به اسماعیل میرزا و نقش سادات سه‌گانه نبرد چالدران به شکل برجسته‌ای ذکر شده‌اند (همان، ۷۲، ٤۲). مهمترین تمایز این کتاب با منابع ماقبل خود، اختصاص بخشی در پایان هر دوره به ذکر کنشگران مهم است که غالباً نقش سادات بسیار پررنگ و معنادار است (ترکمان، ۱/ ۱٤۳-۱۵۳، ۱٦۳، ۱٦۵-۱٦۹، ۱۸۲-۱۸۵، ۲۲۸-۲٤۳، ۲٤۳، ۲۹٤، ٤۵۸). اگر بتوان این منبع را به سان الگویی برای تاریخ‌نگاری نیمه دوم عصر صفوی فرض کرد، آنگاه می‌توان رد و اثر سیادت زدگی را در منابع بعد از او به‌خوبی مشاهده کرد.

از دیگر منابع تاریخ‌نگارانه عصر شاه‌عباس، کتاب *روضه الصفویه* تألیف میرزابیگ جنابدی (متوفای قرن ۱۱) است. در کتاب فوق نیز هر سه مقوله پیش گفته به تفصیل ذکر شده‌است (جنابدی، ۱۱۲-۱۱٦، ٦۷، ٦۸، ۲۸٦، ۲۸۷). با این‌حال گرچه واجد بخش مفصل و جداگانه در شرح احوال سادات آن عصر نیست؛ اما در متن، مکرر به کنشگریِ همه‌جانبه سادات این عصر اشاره شده‌است.

تاریخ جهان آرای عباسی اثر میرزا محمد طاهر وحید قزوینی (متوفای ۱۱۱۲) از منابع دیگر مربوط به دوره مورد بحث می‌باشد که عنصر سیادت در آن از نقش به‌سزایی برخوردار است. قزوینی در اثبات سیادت خاندان صفویه به نسب شاه صفی و نهایتاً شاه اسماعیل پرداخته و از این طریق نسب خاندان مذکور را تا امام موسی کاظم علیه‌السلام دنبال کرده است (وحید قزوینی، ۲۱-۲۰)؛ همچنین به همکاری کارکیا میرزا با اسماعیل میرزا و به نقش سادات سه‌گانه در نبرد چالدران (همان، ۳۷، ۳۲) پرداخته

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-05-26]

[DOI: 10.52547/isihistory.1.40.119]

است. نویسنده نهایتاً در نگاهی ویژه در بخشی با عنوان «سادات عظام»، به سادات صاحب منصب و عالم دوره صفویه که در تبریز و اصفهان سکونت داشته‌اند، پرداخته است (همان، ٧٦-٧٥). قزوینی در بیان جایگاه سیادت علاوه بر بیان موضوعات مزبور به دیگر سادات بلند پایه در جای جای کتاب اشاره می‌کند (همان، ١٧٨، ٢٠٢، ٢٠٧، ٣٠٥، ٣٠٧، ٣٠٩) که از جمله آنان سادات حسنی (همان، ١٦٦)، سادات حسینی، سادات خلیفه (همان، ٧٦-٧٥)، سادات حیدریه (همان، ١٤٤) و سادات رضوی (همان، ١٩٦) بوده‌اند.

٢- منابع با نگاه حداکثری به سیادت

بخش دیگر منابعی هستند که تنها به نسب شاه اسماعیل و همکاری سادات کیایی با شاه مذکور اشاره کرده‌اند. از جمله این منابع *تکمله الاخبار* است که توسط عبدی بیگ شیرازی (متوفای ٩٩٨) و نزدیک به زمان *لب التواریخ* تألیف شده‌است. در اثر مزبور به نسب شاه صفوی اشاره شده و به نقش سادات کیایی نیز پرداخته شده‌است (شیرازی، ١٠٣-١٠٢). با این حال اشاره‌ای به سادات سه‌گانه جنگ چالدران نکرده و بخش خاصی را به نخبگان سادات اختصاص نداده است.

اثر تاریخ‌نگارانه دیگر *عالم آرای شاه اسماعیل* است که مؤلف آن ناشناس (متوفای قرن ١١) است. این اثر نیز نسب شاه اسماعیل را به امام کاظم علیه‌السلام می‌رساند (*عالم آرای شاه اسماعیل*، ١) و در ادامه به همکاری امیرکیا در گیلان با اسماعیل میرزا در زمان میرزا رستم آق‌قویونلو پرداخته است (همان، ٤١-٣٥).

دو اثر دیگر به نام‌های *وقایع السنین و الاعوام* از سید عبدالحسین الحسینی خاتون آبادی (متوفای ١١٠٥) و *فواید الصفویه* از ابوالحسن قزوینی (متوفای قرن ١٢) نیز به نسب خاندان صفویه اشاره کرده‌اند و همچنین به همکاری سادات کیایی با اسماعیل میرزا پرداخته‌اند (خاتون آبادی، ٤٣١، ٤٣٤-٤٤٠؛ قزوینی اصفهانی، ٤، ٧).

شرف خان بدلیسی (متوفای ١٠٠٧) در اثر خویش به نام *شرف نامه* که تاریخ محلی کردستان در عصر صفوی است، برخلاف منابع فوق الذکر اشاره‌ای به نقش کارکیا میرزا

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-05-26]

[DOI: 10.52547/isihistory.1.40.119]

و همکاری سادات کیایی با شاه اسماعیل نکرده و دو موضوع دیگر یعنی نسب شاه اسماعیل (بدلیسی، ۱۳۲/۲) و نقش سادات سه‌گانه در نبرد چالدران را مطرح کرده است (همان، ۱۵۹–۱۵۷).

حسن بیگ روملو (متوفای ۹۸۵) نگارنده *احسن التواریخ* نیز برخلاف سیر منابع پیشین اشاره‌ای به نسب شاه اسماعیل نمی‌کند اما هم از پناه بردن اسماعیل میرزا به گیلان، نزد سادات کیایی و هم از نقش سادات سه‌گانه در جنگ چالدران سخن می‌گوید (روملو، ۲۱–۲۰، ۱۹۵). در همین کتاب با وجود آنکه بخش مشخصی به سادات اختصاص داده نشده اما در موارد و مواقع متعدد کنش‌گران روایت او سادات هستند.

۳- منابع با نگاه حداقلی به سیادت

بخش دیگر از منابع دوره مورد بحث، تنها به نسب شاه اسماعیل پرداخته‌اند و به دو موضوع دیگر اشاره‌ای نکرده‌اند. در این بین *تاریخ حبیب السیر* (تألیف ۹۳۰–۹۲۷) اثر غیاث الدین بن همام الدین معروف به خواندمیر (متوفای ۹٤۲) از سادات حسینی (خواندمیر، ۱/ ۵)، از جمله آثار اواخر دوره تیموری است که سادات نخستین بار در روزگاران آغازین دوره صفویه به عنوان کنشگران تاریخی در آن نمود پیدا کرده‌اند. در جلد چهارم اثر مزبور نویسنده به خاندان صفویه و شرح تأسیس حکومت صفویان توسط شاه اسماعیل می‌پردازد و از نسب شاه اسماعیل صفوی برای نخستین بار صحبت می‌کند و نسب وی را به امام موسی کاظم علیه‌السلام می‌رساند (خواندمیر، ٤/ ٤١٠–٤٠٩).

تاریخ خانی شامل حوادث چهل ساله گیلان از علی بن شمس الدین بن حاجی حسین لاهیجی (متوفای قرن ۱۰) نیز ضمن اشاره به نسب شاه اسماعیل از وی تحت عنوان سادات عالی‌قدر و و اولیای کبار و نامدار یاد می‌کند (لاهیجی، ۱۰۱). این یادکرد بیشتر ناشی از موضوع کتاب است.

ابوالمفاخر فضل الله حسینی سوانح نگار تفرشی در *تاریخ شاه صفی* (۱۰۵۲–۱۰۳۸)، نیز در شرح نسب شاه صفی ابتدا نیاکان وی را تا شاه اسماعیل معرفی و بعد از آن طبق رویه منابع متقدم عمل کرده و سرانجام نسبش را به امام موسی کاظم علیه‌السلام رسانده است

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-05-26]

[DOI: 10.52547/isihistory.1.40.119]

(تفرشی، ۱۳-۱۲). باید به این نکته توجه کرد که این کتاب، بنابر آنکه تاریخ پادشاهی است و از فضای اوایل عصر صفوی نیز فاصله گرفته، ظرفیت پرداخت کامل به مقوله‌های مدنظر پژوهش را نداشته است.

دیگر آثار تاریخ‌نگارانه این دوره مانند *فتوحات شاهی* (امینی هروی، ۱)، *شاه اسماعیل نامه* (گنابادی، ۳۱)، *خلد برین* (قزوینی اصفهانی، ۱۶-۱۵) و نیز *زبده التواریخ* (مستوفی، ۴۲-۴۱) نیز به نسب خاندان صفویه پرداخته و آن را تا زمان امام موسی کاظم علیه‌السلام دنبال کرده‌اند. افوشته‌ای نطنزی (متوفای قرن ۱۱) در کتاب خود *نقاوه الآثار* اگرچه از دوران اولیه صفویه فاصله گرفته و حوادث را از مرگ شاه تهماسب تا میانه عصر شاه عباس اول پی گرفته است و کتابش بیشتر نمایی پادشاهی دارد تا سلسله‌ای، در تشریح گستره کتاب، اقبال خود به سیادت را با عبارت «شاه عباس صفوی موسوی حسینی» نشان داده است (افوشته‌ای نطنزی، ٦).

۴- منابع با نگاه هم راستا به سیادت

در بیان جایگاه سیادت در منابع تاریخ‌نگارانه دوره صفویه برخی دیگر از آثار نیز با رویکردی متفاوت نسبت به آنچه در بالا اشاره شد به این موضوع پرداخته‌اند. چون اصولاً گستره موضوعی آنها با عموم منابع تاریخ‌نگارانه این عصر متفاوت است؛ لذا بدون اشاره به سه مقوله فوق‌الذکر غالباً با رویکردی محلی و منطقه‌ای سادات محدوده خویش را به عنوان کنشگران تاریخی معرفی نموده‌اند. از جمله این آثار *تاریخ مازندران* از ملا شیخ علی گیلانی (متوفای ۱۰٤٤) است. نویسنده به سادات قوامیه که در مازندران حضور داشته‌اند اشاره می‌کند و نسب ایشان را تا امام زین العابدین علیه‌السلام یاد کرده است. همچنین نویسنده به نقش سیاسی این خاندان در دوره صفویه نیز پرداخته است (گیلانی، ٦١-٥٥). منبع دیگر *ریاض الفردوس خانی* اثر محمد میرک بن مسعود حسینی منشی (متوفای ۱۰۸۲) است. نویسنده در بخش‌های مختلف به سادات مشعشعی خوزستان پرداخته و نسب ایشان را به امام موسی کاظم علیه‌السلام می‌رساند (حسینی منشی، ٣٦٣).

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-05-26]

[DOI: 10.52547/isihistory.1.40.119]

یافته‌های این بخش نشان می‌دهد که منابع عصر صفوی در انواع عمومی، سلسله‌ای، پادشاهی و محلی به نسبت چارچوب عمل خود و ظرفیت‌های قالبی خود، به شکلی معنادار کاربست مفهوم سیادت و هرآنچه بدان وابسته است را در دستور کار خویش قرار داده‌اند. این مهم در مواردی حتی محدود به مقیاس‌های مدنظر پژوهش باقی نمانده و به شکلی مضاعف سیادت را به تصویر کشیده است. در جدول زیر به صورت خلاصه، اقبال منابع تاریخنگارانه عصر صفوی حول محور شاخص‌های مطرح شده، به تصویر کشیده شده‌اند.

شمای کلی اقبال مهمترین منابع تاریخنگارانه عصر صفوی به الگوی تحقیق

ردیف	نام اثر	نوع منبع	وفات مولف	نسب صفویان	نقش سادات کیایی	سادات در نبرد چالدران
۱	*تاریخ حبیب السیر*	عمومی	۹۲۷	✓	–	–
۲	*تاریخ شاه اسماعیل و شاه طهماسب*	سلسله‌ای	۹۹۶	✓	✓	✓
۳	*لب التواریخ*	عمومی	قرن ۱۰	✓	✓	✓
٤	*تکمله الاخبار*	عمومی	قرن ۱۰	✓	✓	–
٥	*جواهرالخبار*	عمومی	قرن ۱۰	✓	✓	✓
٦	*فتوحات شاهی*	پادشاهی	۹٤۱	✓	–	–
۷	*احسن التواریخ*	سلسله‌ای	۹۸٥	–	✓	✓
۸	*جهانگشای خاقان*	سلسله‌ای	قرن ۱۰	✓	✓	✓
۹	*تاریخ خانی*	محلی	قرن ۱۰	✓	–	–
۱۰	*شاه اسماعیل نامه*	پادشاهی	۹۸۲	✓	–	–
۱۱	*شرفنامه*	محلی	۱۰۰۷	✓	–	✓
۱۲	*خلاصه التواریخ*	سلسله‌ای	۱۰۱٥	✓	✓	✓

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-05-26]

[DOI: 10.52547/isihistory.1.40.119]

۱۳	*تاریخ عالم آرای عباسی*	سلسله‌ای	۱۰۴۳	✓	✓	✓
۱٤	*روضه الصفویه*	سلسله‌ای	قرن ۱۱	✓	✓	✓
۱۵	*نقاوه الآثار فی ذکرالاخیار*	پادشاهی	قرن ۱۱	✓	–	–
۱٦	*تاریخ شاه صفی*	پادشاهی	۹٤۱	✓	–	–
۱۷	*عالم آرای شاه اسماعیل*	پادشاهی	قرن ۱۱	✓	✓	–
۱۸	*خلدبرین*	سلسله‌ای	۱۱۰٦	✓	–	–
۱۹	*فوائدالصفویه*	سلسله‌ای	قرن ۱۲	✓	✓	–
۲۰	*زبده التواریخ*	سلسله‌ای	قرن ۱۲	✓	–	–

جدول بالا به خوبی حاکی از ارتقای نقش پدیده سیادت و کنشگری سادات در منابع عصر صفوی است. بیشتر منابع این عصر سنجه‌های مد نظر را در خود داشته‌اند و در مقابل شماری از منابع نیز برخی فاکتورهای مدنظر را ندارند. این فقدان یا به سبب نوع منبع است یا اینکه به جهت فاصله گرفتن منبع از حادثه، نویسنده ضرورتی برای اشاره به آن موضوع را درک نکرده است.

نتیجه

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که به تناسب تقویت عنصر سیادت و حضور سادات در عرصه‌های گوناگون حکومتی و اجتماعی در عصر صفوی، سهم سادات در عرصه تاریخ‌نگاری نیز افزایش یافت. در این عصر منابع تاریخنگارانه مهمی هم‌چون *تاریخ حبیب السیر*، *تاریخ شاه اسماعیل و شاه طهماسب صفوی*، *خلاصه التواریخ*، *لب التواریخ*، *تحفه العالم*، *زبور آل داود*، *وقایع السنین و الاعوام* و *مجمع التواریخ* توسط مورخانی سید نوشته شده‌است. همچنین نتایج این پژوهش در باب جایگاه مقوله

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-05-26]

[DOI: 10.52547/isihistory.1.40.119]

سیادت و کنش‌گری سادات در منابع تاریخ‌نگارانه عصر صفوی با تکیه بر سنجه سه‌گانه نشان می‌دهد که اولاً در اغلب منابع این عصر به سیادت صفویان بـه عنـوان یـک اصـل مهم اشاره شده‌است. تکرار این مقوله به خوبی نشانگر تقویت و تثبیـت مقولـه سـیادت در این دوره است. ثانیاً در بسیاری از منابع این عصر بحث حمایت حکومت محلـی آل کیا از دودمان صفویه برجسته شده‌است. به این ترتیب سـیادت و کنشـگری سـادات در جامعه به عنوان امری مقوم به تصویر کشیده شده‌است. علاوه بر این اشاره بیشـتر منـابع به حضور سادات مشهور در بدنه حکومت صفویان و در هنگامه جنگ سرنوشـت سـاز چالدران نیز ناظر به همین کنشگری است. ثالثاً افزون بر موارد سـه‌گانـه، در بسـیاری از منابع این عصر بخش ویژه‌ای به شرح حال سادات اختصاص داده شده‌است تـا بـه ایـن ترتیب کنش‌گری برجسته سادات در این دوره اثبات شود. از این‌رو مـی‌تـوان گفـت در کنار حضور قابل توجه سادات در قامت مورخان عصر صفوی، عنصر سیادت به مقولـه جدایی ناپذیر منابع تاریخ‌نگارانه این عصر بدل شده بود. علاوه بر آن کنش‌گری سادات نیز به یکی از مباحث اصلی منابع این دوره تبدیل شده‌بود.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-05-26]

[DOI: 10.52547/isihistory.1.40.119]

منابع

– آرام، محمدباقر، اندیشه تاریخ‌نگاری عصر صفوی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۹۳.

– آقاجری، هاشم، درآمدی بر مناسبات دین و دولت در عصر صفوی، تهران، طرح نقد، ۱۳۹۷.

– ابن خواندمیر، امیرمحمود، تاریخ شاه اسماعیل و شاه تماسب صفوی، تصحیح محمدعلی جراحی، تهران، نشر گستره، ۱۳۷۰.

– افوشته‌ای نطنزی، محمودبن هدایت الله، نقاوه الآثار فی ذکرالاخیار، به اهتمام احسان اشراقی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۰.

– الهیاری، حسن، «تحلیل تاریخي حذف حکومت سادات کیایي توسط صفویان (با تأکید بر مباني نظري)»، فصلنامه تاریخ اسلام در آینه پژوهش، سال چهارم، دوره ۱۴، شماره ۴۲، بهار و تابستان ۱۳۹۶.

– الهیاری، حسن و هاشم آقاجری، «تحول و تنوع مفهوم سیادت در عصر صفوی»، مطالعات تاریخ اسلام، شماره نهم، سال سوم، تابستان ۱۳۹۰.

– الهیاری، حسن و احمد زنگنه آبادی، «گیلان؛ بسترنهایی تبدیل فرآیند طریقت-سیادت به سلطنت (با نگاهی ویژه به نقش خاندان آل کیا در تأسیس صفویان)، همایش گیلان در گستره تاریخ صفویه، به کوشش عباس پناهی، رشت، فرهنگ ایلیا، ۱۳۹۷.

– امینی هروی، امیر صدر الدین ابراهیم، فتوحات شاهی، تصحیح محمدرضا نصیری، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۳.

– بدلیسی، شرف خان بن شمس الدین بدلیسی، شرفنامه: تاریخ مفصل کردستان، به اهتمام ولادیمیر ولیامینوف زرنوف، تهران، اساطیر، ۱۳۷۷.

– بهرام نژاد، محسن، «بررسی جایگاه اجتماعی سادات سیفی قزوین در عصر صفوی»، فصلنامه مطالعات تاریخ اسلام، سال ششم، شماره۲۰، بهار۱۳۹۳.

– ترکمان، اسکندربیگ، تاریخ عالم آرای عباسی، تصحیح محمداسماعیل رضوانی، تهران، انتشارات دنیای کتاب، ۱۳۷۷.

– تفرشی، ابوالمفاخر فضل الله حسینی سوانح نگار، تاریخ شاه صفی، تصحیح محسن بهرام نژاد، تهران، نشر میراث مکتوب، ۱۳۸۸.

– ثواقب، جهانبخش، تاریخ‌نگاری عصر صفویه و شناخت و نقد منابع، شیراز، نوید، ۱۳۸۰.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-05-26]

[DOI: 10.52547/isihistory.1.40.119]

– جنابدی، میرزابیگ، روضه الصفویه، تصحیح غلامرضا طباطبایی مجد، تهران، نشر بنیاد موقوفات محمود افشار، ۱۳۷۸.
– جهانگشای خاقان، تصحیح الله دتا مضطر، اسلام آباد پاکستان، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۳۶۴.
– حسینی قزوینی، یحیی بن عبداللطیف، لب التواریخ، تهران، نشریات موسسه خاور، ۱۳۱۵.
– حسینی قمی، قاضی احمد منشی، خلاصه التواریخ، تصحیح احسان اشراقی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۳.
– حسینی منشی، محمد میرك بن مسعود، ریاض الفردوس خاني، تصحیح ایرج افشار و فرشته صرافان، تهران، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، ۱۳۸۵.
– خاتون آبادی، عبدالحسین، وقایع السنین و الاعوام یا گزارش‌های سالیانه از ابتدای خلقت تا سال ۱۱۹۵، تصحیح محمدباقر بهبودی، تهران، کتابفروشی اسلامیه، ۱۳۵۲.
– خواندمیر، غیاث الدین بن همام الدین، تاریخ حبیب السیر، تهران، خیام، ۱۳۸۰.
– روملو، حسن بیگ، احسن التواریخ، تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران، نشر بابک، ۱۳۵۷.
– سلطان، هاشم میرزا، زبور آل داود، تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران، میراث مکتوب، ۱۳۷۹.
– سیوری، راجر مروین، ایران عصر صفوی، ترجمه کامبیز عزیزی، تهران، نشر مرکز.
– شیرازی، عبدی بیگ، تکمله الخبار، تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران، نشر نی، ۱۳۶۹.
– صفا کیش، حمیدرضا، صفویان در گذرگاه تاریخ، تهران، سخن، ۱۳۹۰.
– صفت گل، منصور، ساختار نهاد و اندیشه دینی در دوره صفویه، تهران، رسا، ۱۳۸۹.
– عالم آرای شاه اسماعیل، تصحیح اصغر منتظر صاحب، تهران، علمی فرهنگی، ۱۳۸۴.
– فلور، ویلم، نظام قضایی عصر صفوی، ترجمه حسن زندیه، تهران، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۰.
– فندرسکی، سید ابو طالب موسوی، تحفة العالم در اوصاف و اخبار شاه‌سلطان‌حسین، تصحیح رسول جعفریان، تهران، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۸.
– قزوینی اصفهانی، محمدیوسف واله، خلد برین، تصحیح میرهاشم محدث، تهران، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، ۱۳۷۲.
– کویین، شعله آلیسیا، تاریخ نویسی در روزگار فرمانروایی شاه عباس صفوی: اندیشه، گرته

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-05-26]

[DOI: 10.52547/isihistory.1.40.119]

برداری و مشروعیت در متون تاریخی عهد صفویه، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۷.

– گنابادی، قاسمی حسینی، شاه اسماعیل نامه، تصحیح جعفر شجاع کیهانی، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۸۷.

– گیلانی، ملا شیخ علی، تاریخ مازندران، تصحیح منوچهر ستوده، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۲.

– لاهیجی، علی بن شمس الدین بن حاجی حسین، تاریخ خانی شامل حوادث چهل ساله گیلان، تصحیح منوچهر ستوده، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۲.

– مرعشی حسینی، میرزا محمد خلیل یا سلطان خلیل میرزا، مجمع التواریخ، تصحیح عباس اقبال آشتیانی، تهران، کتابخانه طهوری و سنایی، ۱۳۶۲.

– مستوفی، محمدمحسن، زبده التواریخ، تصحیح بهروز گودرزی، تهران، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، ۱۳۷۵.

– منشی قزوینی، بوداق، جواهرالاخبار، تصحیح محسن بهرام نژاد، تهران، نشر میراث مکتوب، ۱۳۷۸.

– نوایی، عبدالحسین و غفاری فرد، عباس‌قلی، تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوران صفویه، تهران، سمت، ۱۳۹۰.

– نوروزی، جمشید و محمد عباسی، «نقش سادات سیفی قزوین در حکومت صفویه و دربار تیموریان هند»، دوفصلنامه پژوهشنامه تاریخ های محلی ایران، شماره دوم (پیاپی ۴)، بهار و تابستان ۱۳۹۳.

– وحید قزوینی، میرزا محمد طاهر، تاریخ جهان آرای عباسی، تصحیح سید سعید میرمحمد صادق، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۳.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-05-26]

[DOI: 10.52547/isihistory.1.40.119]